

بازخوانی حجیت احادیث طبی از دیدگاه شیخ صدوق

رضا آقاپور^۱، محمد شریفی^۲، فاطمه رامیار^۳، سیده خدیجه مرتضوی^۴

چکیده

در سال‌های اخیر، بحث «طب اسلامی» با جدیت بیشتری مطرح شده و موافقان و مخالفانی را به خود جلب کرده است. برخی معتقدند با تکیه بر قرآن و روایات می‌توان بیماری‌ها را درمان کرد، حتی تا حد کنار گذاشتن علم پزشکی. این پژوهش در پی بررسی دیدگاه شیخ صدوق درباره احادیث طبی و اعتبارسنجی آن‌هاست. هدف اصلی تحقیق، تبیین دیدگاه ایشان مبنی بر عدم حجیت عملی این احادیث برای درمان بیماری‌هاست. پژوهش حاضر ضرورت بررسی تخصصی احادیث طبی توسط اهل حدیث و پزشکان را مورد تأکید قرار می‌دهد. این مطالعه معیارهای اعتبارسنجی احادیث طبی شامل قطعیت صدور، عمومیت مخاطب و عدم وجود قیود را مشخص می‌کند و راهکارهایی برای مواجهه علمی با احادیث طبی ارائه می‌دهد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به تحلیل نگرش شیخ صدوق در کتاب «الاعتقادات» نسبت به روایات پزشکی می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، شیخ صدوق، این احادیث را دسته‌بندی کرده و به این اطمینان رسیده که این روایات حجیت عملی ندارند و نمی‌توان صرفاً بر اساس آن‌ها به درمان پرداخت و همچنین با توجه به نیاز به تبیین معیارهای اعتبارسنجی احادیث طبی و حساسیت حوزه سلامت، باید همانند احادیث فقهی، متخصصان فن همچون اهل حدیث و پزشکان در بررسی و نقد احادیث طبی مشارکت کنند و از نظر سندی و متنی با دقت ارزیابی شوند. تنها احادیثی قابل استناد هستند که از جهت صدور قطعی باشند، مخاطب معصوم در آن‌ها عموم مردم باشد و هیچ قید و شرطی نداشته باشند.

واژه‌های کلیدی: احادیث طبی، احادیث موضوعه، الاعتقادات، شیخ صدوق

۱. نویسنده مسئول. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران r.aghapour@umz.ac.ir

۲. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، ایران m.sharifi@yazd.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران ramyfarfatmh@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران Khadije.mortazavi@yahoo.com

۱. مقدمه

در متون دینی، سلامت انسان از دو منظر جسمانی و روحانی مورد توجه ویژه قرار گرفته است: « یَسْئَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لِكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فِكَلُوا مِمَّا أَمْسَكَنَّ عَلَيْكُمْ وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ بَرِيعُ الْحِسَابِ » (مائده: ۴).

در این میان، احادیث طبّی به‌عنوان بخشی از میراث حدیثی شیعه، همواره مورد استناد اصحاب طب اسلامی قرار گرفته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴، ۷۴)؛ با این حال با ماهیت این روایات، شرایط صدور و دامنه شمول آن‌ها نیازمند بررسی دقیق علمی است، چراکه کوچک‌ترین خطا در تفسیر و تطبیق این روایات می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری در حوزه سلامت افراد داشته باشد. در سال‌های اخیر شاهد گسترش رویکردهایی هستیم که با استناد به برخی روایات، مدعی ارائه نظام پزشکی مستقل از علوم تجربی هستند. این در حالی است که بسیاری از این احادیث بدون توجه به سیاق تاریخی، شرایط صدور و میزان اعتبار سندی مورد استناد قرار می‌گیرند. چنین رویکردی هم‌موجب ایجاد شبهات در حوزه دین‌پژوهی شده و هم ممکن است سلامت جامعه را به مخاطره اندازد.

کتاب الاعتقادات شیخ صدوق به‌عنوان یکی از متون معتبر حدیثی شیعه، در باب چهل و چهارم به بررسی احادیث طبّی پرداخته است. بررسی این باب از آن جهت حائز اهمیت است که می‌تواند معیارهای یک محدث برجسته شیعی در مواجهه با احادیث طبّی را برای ما روشن سازد و الگویی برای ارزیابی علمی این دسته از روایات ارائه دهد. این پژوهش در پی آن است تا با واکاوی این اثر، چارچوبی علمی برای فهم و تطبیق احادیث طبّی ارائه کند.

نازل شده است و پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام نیز مأموریت یافته‌اند تا این مسیر را تبیین کنند. افزون بر این، آموزه‌های دینی در راستای صیانت از انسان در ابعاد گوناگون جسمی، روحی و روانی، اجتماعی، اعتقادی و فکری برنامه‌ها و راهکارهای جامعی ارائه داده‌اند. از این رو، با توجه به اهمیت بنیادین بهداشت و سلامت در اسلام، بخشی از احادیث و روایات معتبر در این زمینه، به شیوه‌های مستند، نظام‌مند و دقیق گردآوری شده است تا منبعی قابل‌اعتماد برای پژوهشگران و عموم علاقه‌مندان باشد؛ از جمله در کتاب « گنجینه روایات پزشکی » (واعظی، ۱۳۹۴ ش) از محمدجواد واعظی، بخش اول کتاب، آداب طبابت و توصیه‌های پزشکی؛ بخش دوم پیرامون تعریف، منافع و حکمت‌های بیماری؛ بخش سوم مباحث مربوط به اندام‌ها و دستگاه‌های بدن؛ بخش چهارم به اهمیت خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها در تندرستی و بیماری؛ بخش پنجم به درمان بیماری‌ها با غذا و گیاهان دارویی می‌پردازد. مسعود سجودی در کتاب « گنجینه احادیث پزشکی » (۱۳۹۵ ش) روایات پزشکی از فرمایشات پیامبر (ص)، امامان علی (ع)، صادق (ع) و رضا (ع) را در پنج فصل جمع‌آوری کرده است. کتاب دیگری با عنوان « دانشنامه احادیث شیعه » (۱۳۸۸ ش) از محمدی ری‌شهری نیز به گردآوری کامل روایات پزشکی با حفظ مستندات پرداخته است. اگرچه در زمینه طب اسلامی تحقیقات متعددی انجام شده، اما بررسی دیدگاه شیخ صدوق در باب چهل و چهارم کتاب « الاعتقادات » (۵) که به احادیث موضوعه در حوزه طب پرداخته، تاکنون به‌صورت تخصصی مورد توجه قرار نگرفته است.

۳. ضرورت پژوهش

در عرصه تعامل دین و سلامت انسان، دو حوزه فقه و پزشکی از حساسیت ویژه‌ای برخوردارند. در حالی که در امور فقهی

۲. پیشینه پژوهش

قرآن کریم باهدف هدایت و تربیت انسان به‌سوی کمال

۵. یافته‌ها

۵-۱. طب اسلامی و احادیث طبی

بحث طب اسلامی سابقه‌ای طولانی با این عنوان ندارد و تنها در چند دهه اخیر می‌توان ردپایی از آن را در محافل علمی درون کشور پیدا کرد؛ اما در منابع اسلامی ما در خصوص سلامت بدن و توصیه‌های بهداشتی مطالب مهمی به چشم می‌خورد. همین امر می‌تواند نشانگر اهمیت سلامت انسان در شریعت اسلام باشد. (دیانی، ۱۳۸۲، ش، ص ۷)

چند سالی است وزارت بهداشت، دانشگاه‌ها، سازمان‌ها و مراکز علمی و پژوهشی، توجه بیشتری به مقوله طب اسلامی داشته‌اند و اصطلاح طب اسلامی صرف‌نظر از برداشت‌ها و تعبیر گوناگون، در مجامع علمی و پژوهشی رایج شده است. هم‌چنین همایش‌های علمی پژوهشی با موضوعات مرتبط با طب اسلامی در چند سال اخیر در کشور برگزار شده و پژوهشگران را از سراسر کشور گرد هم آورده و فرصتی را برای بیان دیدگاه‌های آنان فراهم کرده است، امروزه شاهد انتشار و عرضه گسترده کتاب‌ها و نشریات صرف‌نظر از بنیان علمی آن‌ها با موضوع طب اسلامی و با عناوین گوناگونی مانند طب اسلامی، طب النبوی، طب الصادق هستیم همچنین مقالات و پایان‌نامه‌های زیادی به این موضوع اختصاص یافته است. در زمینه طب اسلامی دیدگاه‌هایی مطرح است عده‌ای این اصطلاح طب اسلامی را غیرعلمی و فاقد کاربرد می‌دانند و مخالف ورود اسلام به حیطه پزشکی و طبابت است. عده دیگر اصطلاح طب اسلامی را پذیرفته‌اند و به وجود آموزه‌های طبی در آیین اسلام قائل هستند که در عصر حاضر نیز به صورت مستقیم یا غیرمستقیم قابل استفاده و البته دلایل و مستندات زیادی برای اثبات وجود طب اسلامی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است؛ از جمله دلایل عقلی و نقلی. دلایل عقلی مثل نقص دانش بشر مبتنی بر تجربه و وجود مجهولات زیاد و نیز رحمت خدا در راهنمایی و هدایت طبی انسان‌ها و نیز اینکه

راه‌های جبران خطا وجود دارد، در حوزه پزشکی هر اشتباهی می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری داشته باشد. این مسئله ضرورت واکاوی دقیق احادیث طبی را با معیارهای علمی و حدیث‌شناسی آشکار می‌سازد. با توجه به اهمیت مسائلی همچون حساسیت ذاتی حوزه سلامت و پیامدهای حیاتی تصمیمات درمانی، گسترش نسخه‌پردازی‌های طبی بدون پشتوانه علمی کافی، نیاز به تبیین معیارهای اعتبارسنجی احادیث طبی، خلأ پژوهشی در بررسی نظام‌مند دیدگاه شیخ صدوق به‌عنوان یکی از ارکان حدیثی شیعه، لزوم تعیین مرز بین توصیه‌های بهداشتی مستند و ادعاهای غیرعلمی، سؤال اصلی پژوهش این‌گونه طرح می‌شود که با توجه به دیدگاه شیخ صدوق در کتاب الاعتقادات، آیا می‌توان به پشتوانه منقولات دینی برای درمان بیماری‌ها نسخه تجویز کرد؟

۴. مواد و روش‌ها

جامعه موردبررسی در این پژوهش، دیدگاه شیخ صدوق در کتاب «الاعتقادات» بررسی می‌شود که به بحث احادیث موضوعه در زمینه طب پرداخته است؛ لذا سؤال اصلی این است که با نظر به دیدگاه شیخ صدوق آیا می‌توان به پشتوانه منقولات دینی برای درمان بیماری‌ها، نسخه پیچید یا خیر؟ برای رسیدن به پاسخ این سؤال، ابتدا با مراجعه به باب چهل و چهارم با عنوان اعتقاد در احادیث طب در کتاب «الاعتقادات» شیخ صدوق پرداخته و پس از گردآوری مواد پژوهش، با استفاده از روش توصیفی به مطالبی پرداخته می‌شود که شاگرد شیخ صدوق یعنی شیخ مفید، در رابطه با احادیث طبی او نقد کرده است؛ سپس با روش تحلیل احادیث با استفاده از نرم‌افزار «جامع الأحادیث»، از جهت جعل یا صحت مسانید از دیدگاه شیخ صدوق موردبررسی قرار می‌گیرد.

بازخوانی حجیت احادیث طبی از دیدگاه شیخ صدوق

بدون وجود یک سیستم بهداشت و درمان نمی‌توان جامعه دین‌داران را اداره کرد، هم‌چنین آموزش علوم به آدم ابوالبشر، سخن گفتن گیاهان با سلیمان پیامبر و بیان خواص خود به نبی خدا، وجود روایات و احادیثی مبنی بر آگاهی پیامبران و امامان از دانش طب به صورت الهی و نه تجربه و آموختن، دلایل نقلی برای اثبات طب اسلامی است. (اسماعیلی، ۱۳۸۷، ش، ۲۲) اسماعیلی در ادامه دلایل نقلی، به روایات و احادیث طبی فراوان در آیین اسلام اشاره می‌کند. در کتاب بحار الانوار از جلد ۲۸ تا ۱۱ به مسائل طبی و امور مرتبط با آن پرداخته شده که به واسطه وجود حجم فراوان روایات، شماری از دانشمندان کتاب‌های مستقلی تحت عنوان طب الائمه نوشته‌اند و روایات طبی را جمع‌آوری کرده‌اند. هم‌چنین آیات فراوان طبی در قرآن کریم نظیر اشاره به شفا بخشی عسل، توصیه به دو وعده غذا خوردن در روز و ... وجود دارد که همگی از دلایل نقلی وجود طب اسلامی هستند.

۵-۲. شیخ صدوق و احادیث طبی

شیخ صدوق اعتقادات خویش در زمینه احادیثی که در طب وارد شده است را بر چند وجه تقسیم می‌کند؛ یک: احادیثی که مربوط به آب‌وهوای مکه و مدینه است و در غیر این مناطق استعمال آن موارد جایز نیست. دو: احادیثی که از امام علیه‌السلام بر اساس طبیعت فردی معین صادر شده بدون در نظر گرفتن مکان آن شخص و نسخه امام در حقیقت مخصوص آن شخص خاص است و نه دیگران. سه: احادیثی که مخالفان وارد کتب حدیثی کردند که چهره مذهب را در نگاه دیگران زشت جلوه دهند.

چهار: گاهی نیز سهو و خطا از راوی بوده و حدیث را ناقص نقل کرده مثل احادیثی که درباره عسل وارد شده که شفاء هر دردی است صحیح است ولی معنی آن این است که شفای همه دردهایی است که از سردی باشند؛ و آنکه درباره بادمجان

وارد شده که شفا است مخصوص فصل رطب است برای کسی که خرما می‌خورند نه سایر اوقات.

پنج: آنچه از احادیث طبی ائمه اطهار علیهم‌السلام صحیح است، آن است که برگرفته از آیات و سوره‌های قرآن است و نیز دعاهایی که در این زمینه وارد شده البته با سندهای قوی و طریق‌های صحیح؛ حضرت صادق علیه‌السلام فرمود که در ایام قدیم طبیب را معالج می‌گفتند، موسی علیه‌السلام عرض نمود: پروردگارا درد از کیست، حق تعالی فرمود از من، عرض نمود دوا از کیست، فرمود از من، عرض نمود پس مردم معالج را چه می‌کنند فرمود دلشان با آن خوش می‌شود (یطیب بذلک انفسهم) پس از این جهت نام طبیب، طبیب شد و اصل معنی طب مداوا کردن است.

حضرت داوود چنان بود که هر روز در محرابش گیاهی می‌روید و آن گیاه به داوود می‌گفت مرا بگیر که برای چنان دردی خوبم تا آنکه در آخر عمرش دید که در محراب گیاهی روید، داوود علیه‌السلام نام گیاه را از آن پرسید، آن گیاه گفت من « خرنوبه » ام، داوود علیه‌السلام گفت خراب شد محراب و دیگر آنجا گیاهی نروید. پیامبر ص فرمود: هر که او را حمد شفا دهد خدا او را شفا نهد (ابن بابویه، ۱۳۹۱).

بنابراین شیخ صدوق همه احادیث طبی را معتبر و قابل عمل نمی‌داند چرا که بعضی به خاطر سهو راوی است و دسته‌ای نیز با وجود صحت صدور، قابل عمل برای همه نیست. دسته دیگر از روایات نیز کامل نقل نشده است مثل روایت مربوط به عسل؛ و با همه این اوصاف شیخ صدوق، صحت صدور در روایات طبی را ملازم با عمل به آن نمی‌داند و برای برخی از روایات طبی اعتبار عملی قائل نیست. پس می‌توان گفت که احادیث طبی مدنظر شیخ صدوق همه جزو احادیث جعلی و ساختگی نیستند و از جرگه احادیث موضوعه خارج‌اند. بلکه یا احادیث ضعیفی هستند که نیاز به پالایش دارند و یا قطعیت صدور دارند ولی قابل عمل برای همه مردم نیستند هر چند

عموم مردم را خطاب قرار می‌دهند. (اسماعیلی، ۱۳۸۶ ش، ۲۷) و می‌فرمایند: هر کس به این دستورها عمل کند، از همه بیماری‌ها در امان است (درخشان، ۱۳۶۲ ش، ۱۱۱).

۳-۵. نقد شیخ مفید

شیخ مفید ذیل این مبحث کتاب اعتقادات، می‌نویسد که طب، صحیح است و علم به آن ثابت است و طریق آن وحی است و جز این نیست که عالمان متخصص آن را از انبیاء اخذ کرده‌اند به این جهت که راهی به سوی علم به حقیقت درد نیست مگر به سمع و راهی به سوی شناختن دواء نیز نیست مگر به توقیف، پس ثابت شد که طریق آن شنیدن است از عالم به خفیات تعالی و اخباری که از صادقین (ع) وارد شده است منبش قول حضرت علی ع است که: معده خانه دردهاست و پرهیز سر دوائی است و...

در ادامه شیخ مفید می‌نویسد که هر دوائی را نمی‌توان برای مردم همه شهرها تجویز کرد چون آب‌وهوا باهم فرق دارند و نیز ممکن است عادت مزاجی افراد باهم فرق داشته باشد. اگر ائمه (ع) دارویی را برای کسی تجویز می‌کرده‌اند به واسطه شناختی بوده که از آن مریض موردنظر داشته‌اند و این علمی از ناحیه خداوند و به گونه‌ای معجزه ایشان بود بنابراین به‌طور قطع نمی‌توان گفت این نسخه برای دیگران نیز سودمند است. شیخ مفید می‌نویسد که این قسمت را شیخ صدوق ایراد نکرده است و البته شیخ مفید با شیخ صدوق در این باب هم‌نظر است (مفید، ۱۴۳۰ ق)

در کل، شیخ مفید، شیخ صدوق را تأیید نموده و یک قسم بر اقسام این احادیثی که شیخ صدوق ذکر فرموده، افزوده است. می‌فرماید: "الطب صحیح و العلم به ثابت و طریقه الوحی و انما اخذه العلماء به عن الانبیاء و ذلك انه "ولی ظاهر این است که اگرچه راهی برای نفس اینکه "طب و توجه به این تعلم از اساس،

طبق دیدگاه ایشان احادیث طبی جعلی نیز توسط مخالفین، عمداً وارد کتب روایی شیعیان شده است. به‌طورکلی شیخ صدوق احادیث طبی را به‌گونه‌ای ارزیابی می‌کند که جز در موارد خاص، نمی‌توان به آن‌ها اعتماد کرد؛ بر اساس این ارزیابی، تنها بخشی از احادیث طبی را می‌توان در اختیار افراد خاصی که آن حدیث مربوط به آن‌ها است، قرار داد و سایر احادیث طبی را باید کنار گذاشت. آقای محمدی ری‌شهری بر این عقیده است که تنها احادیثی که می‌توانند در اختیار عموم مردم قرار گیرند، احادیث صحیحی است که مردم را به درمان از طریق دعا و استشفای به آیات قرآن دعوت کرده‌اند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸ ش، ۲۲). روشن است که طبق دیدگاه فوق، طب اسلامی بدون در اختیار داشتن بخش بزرگی از یکی از اصلی‌ترین منابع خود، یعنی روایات طبی، ناقص و محدود است. محمدی ری‌شهری ضمن پذیرش فرمایش شیخ صدوق از نظر اصولی، ضعف سند را نشانه عدم صدور حدیث نمی‌داند و قضاوت درباره اینکه شماری از درمان‌هایی که در احادیث آمده، ویژه افراد خاصی است، نیازمند کار تخصصی می‌داند. (محمدی ری‌شهری، همان)

همچنین اسماعیلی بر این باور است که در علم حدیث، تنها راه قضاوت درباره یک حدیث، سندیت آن نیست و از علوم دیگری غیر از علم رجال هم در شناخت حدیث صحیح از ضعیف استفاده می‌شود و علم درایه الحدیث در شناخت حدیث صحیح در بسیاری از موارد از سند حدیث کاربرد بیشتری دارد. او تعارضات موجود بین برخی احادیث طبی را نیازمند کار تخصصی فقهی و اجتهادی می‌داند و برخی تعارضات احادیث را ناشی از فهم ناصحیح احادیث می‌داند. علاوه بر این، گرچه برخی احادیث موردی هستند، دیگر احادیث قابل توصیه به عموم و اصول طب اسلامی هستند؛ هم چنان که در پایان رساله ذهبیه که منسوب به امام رضا ع است، ایشان

بازخوانی حجیت احادیث طبی از دیدگاه شیخ صدوق

ناشی از انبیاء و به تلقین آنها است " نداریم؛ اما اینکه کل این علم را آسمانی بدانیم، خلاف تجربه و حس است. بشر مثل سایر صنایع، به هوش و استعداد خود و تجربیات روزافزونی، بر علوم بسیار واقف شده است که علم طب نیز یکی از آنهاست؛ هرچند جایز است که در رشته‌ها و مواردی، از انبیاء و وحی هم اقتباس کرده باشند یا در حال و آینده اقتباسات و استفاده‌هایی بنمایند. (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۹، ش ۲۱)

به بیان ساده‌تر می‌توان گفت که دسته دیگری که شیخ مفید به بیانات شیخ صدوق می‌افزاید: در مواردی معصومان می‌دانستند که بیماری فرد پایان‌یافته است و دارویی را می‌فرمودند، درحالی‌که برای بیماری زیان داشت، ولی چون دوران بیماری فرد تمام‌شده بود و امام ع به اذن خداوند اطلاع داشت، بیمار تندرست می‌شد و مردمان خیال می‌کردند که باوجود بیماری نیز این دارو درمان می‌آورد، درحالی‌که حضورشان اشتباه بود و دچار ضرر می‌شدند. این دسته را باینکه صحیح بوده، ابوجعفر یعنی شیخ صدوق بیان نکرده است (مفید تصحیح الاعتقاد).

شیخ صدوق نیز که با احادیث طبی مخالف است در کتاب‌های خود بعضی از این احادیث را آورده و ذیل هیچ‌کدام بیان نکرده که این روایت‌ها خاص مخاطب یا منطقه خاصی است و نباید بدان عمل کرد. (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ۲۴۹ و ...) نجاشی نیز در فهرست کتاب‌های شیخ صدوق کتاب نوادر الطب را برمی‌شمارد. (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵، ۳۹۲) و با توجه به این نکته که شیخ صدوق اصل طب را درمان می‌داند (ر.ک: ابن بابویه، الاعتقادات الاسلامیه) روایاتی که در این کتاب ذکر کرده، باید از همین دسته باشد.

شیخ صدوق بر این عقیده است که معصومان از اینکه هر کاری به غیر شیوه آن انجام شود نهی می‌کردند و با آنکه می‌توانستند به‌صورت معجزه بیماری را برطرف کنند، درمان آن را بیان می‌کردند. فرهنگ‌سازی درمان بیماری‌ها به‌وسیله

طیبیان نیز بر عهده معصومان بود؛ همان‌گونه که در فقه و علوم دین به عالم دین و فقیه ارشاد می‌کردند. (ر.ک: ابن بابویه، شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ۴۸۴) در طب نیز مردم را به پزشک ارجاع می‌دادند. هرچند علم طب همانند دیگر علوم در اختیار معصومان قرار داشته و برای جویندگان و پرسشگرانی که در این باره از ایشان سؤال می‌کردند پاسخ‌گو بوده‌اند. (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ۵۱۱)

مرحوم علامه طباطبایی بر این عقیده است که موضوع نیاز انسان به دین فقط در پرتو حیات اخروی معنا دارد. البته منظور این نیست که دین فقط به مسائل اخروی می‌پردازد، بلکه آنچه در دین آمده است، در طریق اصلاح زندگی معنوی است؛ گرچه برای اصلاح زندگی معنوی باید برخی جوانب زندگی مادی نیز اصلاح شود؛ بنابراین، حیثه‌ها و قلمرو دین با یکدیگر فرق دارند. دین وقتی درباره معنویات و هدایت انسان در آن مسیر سخن می‌گوید، بر تعبد قلبی انسان تکیه می‌کند، اما آنگاه که در اصلاح زندگی مادی برای هدایت معنوی وارد می‌شود، بحث تعبدی محض ندارد؛ بلکه دین وارد یک حیثه عقلی می‌شود و بخشی از هدایت انسان را در این زمینه بر عهده عقل می‌گذارد. از این رو، گزاره‌های دینی در این زمینه تفسیرپذیر و در بعضی موارد تأویل‌پذیر خواهند بود. بر اساس این دیدگاه، رابطه اسلام و پزشکی هم معنادار است و هم به نظر معقول می‌رسد؛ زیرا اولاً، رسالت دین فراتر از گزاره‌های علمی است و ثانیاً، دین نسبت به مسائل علمی و زندگی مادی بی‌توجه قلمداد نشده است. در حقیقت این نظریه، واسطه‌ای بین افراط و تفریط دیدگاه‌های موافقین و مخالفین طب اسلامی است. (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ش ۸۳۸۱)

۴-۵. دیدگاه مؤلف

از آنجایی که این مبحث در کتاب اعتقادات و ذیل مسائل اعتقادی مطرح شده، بنابراین دیدگاه عقلی در این زمینه و تفکر

خود پرسش کند، احتمال خارجی بودن افزایش می‌یابد. یا اگر حدیث متعارضی حکم طبی را نقض کند نمی‌توان به هیچ‌کدام برای درمان عمومی عمل کرد.

نتیجه‌گیری

یک: شیخ صدوق برای احادیث طبی حجیت عملی قائل نیست هرچند قطعیت صدور بعضی از آن‌ها را می‌پذیرد؛ زیرا برای مخاطب خاص و یا طبق آب‌وهوای خاص صادر شده‌اند. طبق نظر ایشان دسته‌ای از این احادیث جعلی هستند نه همه آن‌ها؛ بنابراین دامنه احادیث جعلی در این زمینه محدود می‌شود.

دو: طبق نظر ایشان می‌توان از احادیث و آیات قرآن و دعاهای وارد شده در این زمینه به‌عنوان راهنمای درمان استفاده کرد.

سه: اهمیت احادیث طبی به‌اندازه احادیث فقهی و یا شاید بیشتر باشد زیرا باجان انسان‌ها ارتباط مستقیم دارد. چهار: باید حد وسط دیدگاه موافقین و مخالفین طب اسلامی را گرفت طوری که نه علم پزشکی را صرفاً از آیات قرآن و روایات بگیریم و نه اینکه آموزه‌های دینی را کاملاً کنار نهیم. بلکه از آموزه‌های دینی آنچه را که از نظر علمی و پزشکی ثابت شده‌اند ملاک عمل قرار دهیم.

منابع

- ابراهیمی، م، تحلیل گزاره‌های پزشکی در اسلام و حیطه‌های تعامل اسلام و طب، مجله پژوهش و حوزه، ۱۳۸۳ ش.
- ابن بابویه، م، من لا یحضره الفقیه ترجمه، تحقیق و توضیح: علی‌اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی، الاعتقادات، قم، پیام امام هادی ع، ۱۳۹۱ ش
- اسماعیلی، س، کیانی، رضا، طب اسلامی اثبات وجود بیان ماهیت،

و تعقل، رسمیت پیدا می‌کند و در کنار شرع و نقل باید در تحلیل و بررسی این مبحث عقل و علم تجربی را چاشنی تحلیل خویش قرار دهیم. در طب، پزشک به‌صورت مستقیم با فرد بیمار در ارتباط است و ویژگی‌های خاص بیمار و بیماری را در درمان لحاظ می‌کند. در همین راستا احادیث با مضمون طب نیز یکی از موضوعاتی است که ویژگی‌های فرد بیمار (مخاطب صدور حدیث) در صدور آن به‌صورت‌های متفاوت می‌تواند دخالت داشته باشد. در صورت تأثیرپذیری روایات طبی از ویژگی‌های مخاطب، این روایات قضیه خارجی‌ای است که نمی‌توان از آن در مورد دیگر بیماران استفاده کرد و در صورتی که صدور روایات طبی از این مجموعه فاصله داشته باشد؛ چنانکه طب سنتی یا اسلامی سعی در بهره‌مندی از این روایات دارد، نتیجه آن قضیه حقیقیه دانستن احادیث طبی است. در میان احادیث پزشکی دودسته از احادیث از این جهت نیازمند بررسی هستند. احادیثی که به درمان بیماری‌ها از طریق دارو می‌پردازند یا احادیثی که به خواص داروها و خوراکی‌ها اشاره می‌کنند؛ هرچند در مقام درمان نباشند؛ که هر دو گروه نیاز به بررسی ویژه دارند از این جهت که برفرض قطعیت صدور، آیا احادیث صادر شده از معصومین دارای قیودی بوده است یا خیر؛ قیده‌های از جمله مخاطب خاص داشتن حدیث و یا اینکه آیا زمان و مکان و یا طبع و ویژگی‌های خاصی در بیمار مدنظر بوده است یا خیر و همچنین در نظر گرفتن هرآنچه که ممکن است در درمان بیماری‌ها از طریق منقولات دینی اثرگذار باشد؛ بنابراین به نظر می‌رسد که اهمیت احادیث طبی به‌اندازه احادیث فقهی است و در پذیرش آن‌ها باید سخت‌گیری و حساسیت زیادی به‌کاربرده شود زیرا با جان آدمی در ارتباط است، مثلاً در تشخیص احادیث طبی باید توجه کنیم که اگر معصوم در مقام تعلیم دانش طب باشد یا در موارد متعدد یک دستور بهداشتی و طبی را تکرار کند، می‌توان به دیده حقیقت به آن نگریست ولی اگر بیان معصوم تغییر کند یا مخاطب از بیماری خاص

بازخوانی حجیت احادیث طبی از دیدگاه شیخ صدوق

خلاصه مقالات اولین سمینار بین المللی طب سنتی و مفردات پزشکی، ساری، ۱۳۸۷ ش.

درخشان، م، رساله ذهبیه در علم طب منسوب به حضرت رضا (ع)، ترجمه ابوعلی سلماسی، ح، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۶۲ ش.

دیانی، م، بررسی دیدگاه‌های مختلف در مورد طب اسلامی و ارائه نظریه جدید، پایان‌نامه دکتری عمومی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، ۱۳۸۲ ش.

رحمان ستایش، م، محققین، ح، تأثیر فضای صدور بر شکل‌گیری احادیث طبی، مجله پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی، سال سوم، ش ۵، ۱۳۹۵ ش

جلالی، م، روش ابن‌بابویه در نقد حدیث (بررسی مهمترین شاخصه‌های رویکرد نقادانه شیخ صدوق به حدیث)، مجله مطالعات اسلامی؛ علوم قرآن و حدیث، ش ۹۳، ۱۳۹۳ ش.

صادقی؛ س، مهدوی نژاد، غ، صادقی، ع؛ فرهیدزاد، ه؛ بررسی و طبقه‌بندی دیدگاه‌های موافق و مخالف در مورد طب اسلامی، فصلنامه تاریخ پزشکی سال پنجم، شماره شانزدهم، پاییز ۱۳۹۲ ش.

طوسی، م، الرجال تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، ۱۴۱۵ ق.

طوسی، م، الفهرست تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، ۱۴۱۷ ق.

صافی گلپایگانی، ل، بررسی تطبیقی- انتقادی دو کتاب الاعتقادات و تصحیح الاعتقاد شیخ مفید، مجله دین، ش ۱۵۱، ۱۳۸۹ ش.

طاهریان قادی؛ م، موسوی، س، ربیع نتاج، س، تقی زاده طبری، م، اعتبار سنجی گونه‌های مختلف روایات نزد شیخ صدوق، مجله مطالعات فهم حدیث، سال ششم، شماره دوم، ۱۳۹۹ ش.

حسن بگی، ع؛ طهماسبی بلداجی، ا، تحلیل و بررسی ساختاری و محتوایی الاعتقادات شیخ صدوق، فصلنامه پژوهش‌های اعتقادی- کلامی، سال پنجم، شماره ۱۹، ۱۳۹۴ ش

- خطیب بغدادی، ا، تاریخ بغداد، بیروت، ۱۴۱۷ ق.

شوشتری، م، قاموس الرجال چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۲ ق

نجاشی، ا، رجال النجاشی، تحقیق موسی شبیری زنجانی، قم، ۱۴۱۰ ق.

محمدی ری‌شهری، م، خوش نصیب، م، دانش‌نامه احادیث پزشکی. چاپ نهم. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۸ ش.

Revisiting the Authority of Medical Hadiths from Shaykh al-Sadūq's Perspective

Reza Aghapour^{1*}, Muhammad Sharifi², Fatemeh Ramyar³, Khadijeh Mortazavi⁴

Abstract

In recent years, the discussion of "Islamic medicine" has gained significant attention, attracting both proponents and opponents. Some believe that relying solely on the Quran and hadiths can cure diseases, even to the extent of disregarding modern medical science. This study examines Sheikh Saduq's perspective on medical hadiths and their validity. The main objective of the research is to explain his view that these hadiths lack practical authority for treating illnesses. The study emphasizes the necessity of specialized evaluation of medical hadiths by both hadith scholars and medical professionals. It identifies criteria for validating medical hadiths, including certainty of issuance, generality of the audience, and absence of conditions, while proposing a scientific approach to dealing with such narrations. Using a descriptive-analytical method, the research analyzes Sheikh Saduq's approach in Al-I'tiqadat toward medical hadiths. The findings reveal that Sheikh Saduq categorized these hadiths and concluded that they lack practical validity and cannot be solely relied upon for treatment. Furthermore, given the need for clear validation criteria and the sensitivity of health-related matters, experts in hadith and medicine must collaborate in critically examining these narrations—both in terms of chain (sanad) and content (matn). Only hadiths with definitive issuance, addressed to the general public without conditions, can be considered reliable.

Keywords: Al-I'tiqadat, Fabricated Hadiths, Medical Hadiths, Sheikh Saduq.

- 1*. Corresponding Author . Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran r.aghapour@umz.ac.ir
2. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Yazd, Yazd, Iran m.sharifi@yazd.ac.ir
3. Ph.D. Student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran ramyarfatmh@gmail.com
4. Ph.D. Student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Iran Khadije.mortazavi@yahoo.com